

جزئیات مرگ سه دانش‌آموز در قلعه گنج



اعتماد| پلیس جزئیات بیشتری از مرگ سه دانش‌آموز شهرستان قلعه گنج در جنوب استان کرمان را منتشر کرد. این سه دانش‌آموز پسر 28 مهر امسال به علت واژگونی وانت پیکان در روستای سرخ قلعه در فاصله 40 کیلومتری شهر قلعه گنج جان باختند. فرمانده قرارگاه پلیس راه جنوب کرمان گفت: در حادثه واژگونی وانت پیکان در روستای سرخ قلعه از توابع شهرستان قلعه گنج سه دانش‌آموز فوت و سه دانش‌آموز دیگر مجروح شدند. سرهنگ دادمولا آبکار بیان کرد: پس از آن اعلام شد تعقیب پلیس منجر به بروز این حادثه شده است در حالی که هیچ تعقیب و گریزی توسط پلیس راه صورت نگرفته است. وی گفت: راننده وانت پیکان که گواهینامه نداشته در زمان رانندگی مشغول صحبت کردن با تلفن همراه بوده است اما به محض مشاهده خودروی پلیس اقدام به فرار می‌کند و در نتیجه وقوع این حادثه را رقم می‌زند. وی افزود: ابعاد مختلف این حادثه در دست بررسی است. فرماندار قلعه گنج بیان کرد: در صورتی که مشخص شود تعقیب پلیس عامل بروز این حادثه بوده با فرد یا افراد خاطی برخورد قانونی خواهد شد. این در حالی است که برادر بزرگ‌تر معلم پلدختری که در رودخانه شورآب گم شده هم گفته که با وجود گذشت پنج روز هنوز جسد برادرش پیدا نشده است. وی از مسوولان استان لرستان خواست تا تلاش‌شان را برای یافتن جسد وی بیشتر کنند.

- جزئیات مرگ سه دانش‌آموز در قلعه گنج
- ریخته جباری اعدام شد
- 21 سارق و کیف قاپ پایتخت در دام پلیس
- طلبکاران مرد بدهکار را کشتند
- عکس نوشت
- سر خط خبرها
- مرگ دلخراش فوتبالیست 12 ساله حین تمرین
- اعدامی پای چوبه‌دار بخشیده شد
- اختلال حواس مادر جان فرزند را در آتش گرفت



از مرورگر استفاده شود

عکس نوشت



آتش سوزی پژو در شهر ری 125

سر خط خبرها

دانش‌آموزی در شهر سیاتل ایالت واشنگتن یک نفر را به ضرب گلوله کشت و چهار نفر دیگر را زخمی کرد.

زلزله‌ی به‌شدت 5/2 ریشتر در شمال یونان روی داد.

بر اثر منفجر شدن یک تانکر حامل نفت در چین پنج نفر کشته شدند.

تصادف مرگبار در نبال 14 کشته و 20 زخمی برجوا گذاشت.

اعضای جوان 23 ساله رفسنجانی به بیماران نیازمند اهدا شد.



اعدام دو قاتل در زندان رجایی‌شهر

ریخته جباری اعدام شد

اعتماد| ریخته جباری دختری که هفت سال قبل به اتهام قتل مرد پنجاه و پنج ساله‌ی دستگیر شده بود صبح دیروز در زندان رجایی شهر کرج به‌دار آویخته شد. رسیدگی به این پرونده شانزدهم تیرماه سال 86 همزمان با کشف جسد مرد پزشک در دفتر کارش در خیابان میرعماد تهران آغاز شد. با حضور قاضی محمدحسین شاملو، بازپرس وقت ویژه قتل در محل جنایت مشخص شد مقتول ساعتی قبل با ضربات چاقو از پشت به قتل رسیده است. در بررسی‌های تخصصی هویت مقتول به نام دکتر مرتضی سربندی شناسایی و در تحقیقات کارآگاهان پلیس با شماره تلفن دختر ناشناسی روبه‌رو شدند. با شناسایی هویت دختر 19 ساله به نام ریخته جباری بلافاصله او در خانه‌اش شناسایی و دستگیر شد. در بازرسی از خانه متهم یک چاقو و روسری خونی کشف شد. با انتقال متهم به پلیس آگاهی او به قتل مرحوم سربندی اعتراف کرد. با تکمیل پرونده و ارجاع آن به دادگاه کیفری، ریخته در شعبه 74 دادگاه محاکمه شد. دختر 19 ساله در اعترافاتش گفت: مدتی قبل با مرد جراح آشنا شدم و قرار شد دفتر کار او را برایش طراحی کنم. روز حادثه به دفتر او رفتم اما مرد پزشک قصد داشت به من تجاوز کند به همین دلیل در دفاع از خود او را کشتم؛ موضوعی که هیچ‌وقت تأیید نشد. در ادامه با حکم پنج قاضی دادگاه ریخته به قصاص نفس محکوم شد که این حکم از سوی دیوان عالی کشور نیز تأیید شد. قاضی حسن تردست، رئیس وقت شعبه 74 دادگاه کیفری در مورد این پرونده گفت: اوراق پرونده و دست‌خط خود متهمه در بازپرسی و حتی حسب اظهارات مکرر خانم جباری در دادگاه، در ورودی قفل نبوده و بعد از وارد کردن ضربه کارد آشپزخانه که دو روز قبل خریداری و در کیف خود داشت با آرامش از خانه خارج شده است. وی ادامه داد: طبق صورت‌مجلس بازپرس در معاینه محل وقوع جنایت، قبل از شناسایی فرد ضارب و دستگیری وی، فقط اثر یک ضربه جسم نوک تیز روی در بوده است و نه چند ضربه که موبد آن، اظهارات صریح و روشن خود متهمه است. وقتی از متهمه در دادگاه سوال شد چرا به در با چاقو زد، وی جواب داد چون هیجان‌زده بودم و هول کرده بودم یک ضربه با چاقو به در زدم. از وی سوال شد در قفل بود؟ وی جواب داد نه. قفل نبود. وی ادامه می‌دهد که بعد از زدن ضربه چاقو مقتول گفت منو زدی؟؟؟! و به طرف من صندلی را پرتاب کرد و بعد مقتول از پله‌ها رفت پایین و من هم با آسانسور خارج شدم. اگر در قفل بود چطور می‌توانست بلافاصله خارج شود؟ به علت شدت جراحات که بریدگی ناف

اصلي ربه بود، مقتول فقط از طبقه پنجم تا پله‌های طبقه سوم می‌تواند برود و پس از چند بار گفتن دزد! دزد! در همان‌جا جان می‌دهد.

آغاز تلاش‌ها برای گرفتن رضایت

در حالی که ریخانه هر روز به طناب‌دار نزدیک‌تر می‌شد خانواده‌اش با کمک گرفتن از هنرمندان و چهره‌های سرشناس قصد گرفتن رضایت از خانواده مقتول را داشتند. حتی فروردین ماه امسال نیز جلسه‌ی با حضور هنرمندان، ریخانه و اولیای دم مرحوم سریندی برگزار شد. در این جلسه ریخانه تقاضای بخشش داشت درحالی‌که فرزند ارشد مرحوم سریندی خواستار بیان حقیقت از سوی ریخانه بود.

با گذشت هفت سال از وقوع حادثه براساس اعلام وزیر دادگستری 10 روز به ریخانه مهلت داده شد تا بتواند رضایت خانواده مقتول را بگیرد. سرانجام 21 و 22 مهرماه آخرین جلسه صلح و سازش در دادسرای امور جنایی برگزار شد که این‌بار نیز ریخانه مدعی بود تمامی حقایق را در دادگاه گفته است. با اعلام رضایت ندادن از سوی جلال سریندی فرزند ارشد مقتول، ریخانه در یک قدمی اعدام قرار گرفت تا اینکه سحرگاه دیروز ریخانه 27 ساله در زندان رجایی شهر به‌دار مجازات آویخته شد تا ناگفته‌های این پرونده همچنان برای خانواده مقتول و رسانه‌ها مبهم بماند.

بیانیه دادستانی تهران

دادستانی تهران نیز در اطلاعیه‌ی اعلام کرد: در پی گزارش ارتکاب یک فقره قتل عمد فردی به نام مرحوم مرتضی عبدالعلی سریندی در تاریخ شانزدهم تیرماه سال 1386 و پس از کشف تلفن همراه مقتول و دسترسی به آخرین تماس وی با فردی به نام ریخانه جباری، نامبرده به عنوان مظنون ارتکاب قتل تحت تعقیب قرار می‌گیرد. با مراجعه مأموران به محل اقامت ریخانه جباری، از منزل او یک عدد کارت آشپزخانه آغشته به خون و جلد آن و یک عدد روسری آغشته به خون کشف می‌گردد. ریخانه جباری متولد 1366 در تمام مراحل تحقیق نزد ضابطان، بازپرس و دادگاه به ارتکاب قتل از سوی خود اقرار نموده و برای توجیه اقدام خود مدعی شده بود مرحوم قصد تجاوز به وی را داشته، این در حالی است که:

1 - اظهارات بعدی متهمه خلاف این ادعا را ثابت نموده است؛

2 - محل اصابت ضربه کارد به مرحوم (میان دو کتف) نشان از آن دارد که قتل در حالت دفاع نبوده است. گزارش معاینه جسد در سراسر بدن و دست‌ها آثار ضرب و جرح را گواهی کرده است. در پشت تنه یک بریدگی عرضی به طول هشت سانتی‌متر، در سمت راست ناحیه میانی خلف تنه و فاصله دو سانتی متر از خلف وسط و هشت سانتی‌متری در استخوان کتف راست دیده شده است؛

3 - خریدن کارد برای ارتکاب قتل، پیش از حادثه حکایت از سبق تصمیم ریخانه جباری بر قتل دارد. در بازرسی از منزل متهمه، جلد مقوایی کارد آشپزخانه کشف می‌شود که نشان می‌دهد آلت قتاله را خود خریداری کرده است. وی به خرید کارد آشپزخانه دو روز پیش از جنایت اقرار کرده است؛

4 - مفاد پیامک ارسالی از سوی ریخانه جباری برای دوست خود مبینی بر اینکه قصد کشتن فردی را دارد، دلالت بر سبق تصمیم وی برای قتل و نیز کذب بودن ادعای دفاع در مقابل تجاوز است. قاتل در تاریخ 13/4/1386 (سه روز پیش از ارتکاب قتل)، با ارسال پیامکی به یکی از دوستان خود نوشته است: «فکر کنم امشب بکشمش».

5- ساکنان مجتمع محل ارتکاب جنایت اظهار داشته‌اند که با شنیدن سر و صدا، بیرون آمده و مشاهده کرده‌اند مقتول در حالی که زخمی و خون‌آلود بوده، با فریاد «دزد دزد» از طبقه پنجم به پایین آمده و در جلوی واحد طبقه سوم بیهوش می‌شود. این در حالی است که در صورت صحت ادعای قاتل، موجبی برای فرار وی نبوده و نامبرده باید با ایجاد سر و صدا، همسایگان را آگاه می‌کرده و با حضور آنها احساس امنیت می‌نموده است؛

6- در آپارتمان از نظر قفل فاقد تخریب بوده و این امر نشان می‌دهد که قصد تجاوزی در میان نبوده است. متهم در خصوص بسته بودن در و عدم امکان فرار می‌گوید: «در ابتدای ورود در را باز گذاشتم. ولی او بعد از آمدن به سمت من در را بست، اما قفل نکرد»؛ متعاقباً در ادامه تحقیقات ریخانه جباری مدعی شده قتل از ناحیه فردی به نام شیخی برنامه‌ریزی شده بود. متهمه همچنین مدعی شده که پس از ابراد ضربه به پشت مقتول، شیخی وارد خانه شده و با مقتول درگیر شده است. وی می‌گوید: «شیخی فقط دنبال مدارکی در منزل مقتول می‌گشته و نقشی در قتل نداشته است». در این راستا بازپرس اقدامات بسیاری را در جهت شناسایی شخص مذکور به عمل آورده و پس از شناسایی افرادی با نام‌های مشابه و مواجهه حضوری بین ریخانه جباری با آنها، در نهایت جباری با اعلام اینکه افراد مذکور را نمی‌شناسد، اقرار نموده که اظهاراتش در خصوص فردی به نام شیخی صرفاً برای انحراف مسیر پرونده بوده است. گرچه ادعای ریخانه جباری در خصوص شیخی به هیچ‌وجه اثبات نشده و در مرحله‌ی نیز توسط محکوم انکار شده، اما با فرض صحت موضوع، وی نقش نامبرده را صرفاً حضور در محل جنایت اعلام کرده و به صراحت ارتکاب قتل به تنهایی از ناحیه خود را پذیرفته است. متهمه اقرار کرده برای قتل از پیش کارد تهیه کرده بود. همچنین فروشنده کارد ضمن مواجهه حضوری با جباری، او را شناسایی کرده بود. در ادامه تحقیقات صاحب کار و همکاران متهمه به دروغگو بودن وی اذعان کرده و گفته‌اند در روز وقوع قتل اعلام کرد که پدرش یک اتومبیل تویوتا کمری خریداری کرده این درحالی است که خودروی مذکور متعلق به مرحوم بوده است. آنها وی را فردی دروغگو توصیف کرده‌اند که دوست داشت خود را بزرگ‌تر از آنچه هست نشان دهد. پس از انجام تحقیقات توسط بازپرس ویژه قتل و برگزاری جلسات رسیدگی در

مرگ دلخراش فوتبالیست 12 ساله حین تمرین

اعتماد| نوجوان ?? ساله شیرگاهی حین تمرین فوتسال در سالن حر شیرگاه استان مازندران جان خود را از دست داد.

این اتفاق زمانی رخ داد که این نونهال فوتبالیست در حال زدن بارفیکس با دیرک دروازه بود که سقوط دیرک روی این سر بازیکن کم سن و سال باعث مرگ وی شد. این حادثه دلخراش باعث شد تا بازی تیم‌های فوتسال نگین سبز شیرگاه و شهدای لمراسک گلوگاه که قرار بود در سالن حر برگزار شود لغو و به زمان دیگری موکول شود.

باید بررسی شود که چرا چنین اتفاقی افتاده و آیا این بازیکن نونهال بخت برگشته به دستور مربی تیمش بار فیکس زده یا به صورت خود سر این کار را کرده است. در این باره باید هیات فوتبال استان مازندران و شیرگاه پاسخگو باشند.

اعدامی پای چوبه‌دار بخشیده شد

فارس| دادستان خلیل آباد گفت: اعدامی پای چوبه‌دار در خلیل‌آباد از سوی اولیای دم بخشیده شد. حمیدرضا دشتیان درباره این خبر گفت: این فرد که یک سال و نیم پیش مرتکب قتل عمد شده و حکم قصاصش به مرحله اجرا رسیده بود، صبح روز گذشته و با بخشش اولیای دم، از چوبه‌دار رهایی یافت. وی با بیان اینکه قاتل سابقه سرقت هم داشته، افزود: روز حادثه مقتول قصد داشت از روستای مهدی‌آباد در شهرستان کاشمر به روستای خودش برود که در میانه راه، قاتل را نیز سوار خودروی خود می‌کند. اما پس از مدتی قاتل با مقتول گلاویز شده و وی را با ضربات متعدد چاقو به قتل می‌رساند. محمد درخشنده فرزند حسین درخشنده درباره بخشش قاتل گفت: فقط به خاطر اول ماه محرم و امام حسین (ع) قاتل پدر خود را پای چوبه‌دار بخشیدم.

اختلال حواس مادر جان فرزند را در آتش گرفت

اعتماد| سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران از آتش‌سوزی مرگبار ساختمانی در جنوب تهران خبر داد. سید جلال ملکی در تشریح جزئیات این خبر گفت: ساعت 23:54 جمعه شب یک مورد حادثه آتش‌سوزی در منزل مسکونی به آدرس خیابان شهید رجایی، خیابان هلال احمر به سامانه 125 اطلاع داده شد. وی با بیان اینکه ستاد فرماندهی، آتش‌نشانان ایستگاه 95 را به محل حادثه اعزام کرد، افزود: محل حادثه یک خانه سه طبقه مسکونی قدیمی بود که حریق در طبقه سوم آن رخ داده بود. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران با بیان اینکه شعله‌های آتش تمام این طبقه که 70 متر مربع وسعت داشت را در بر گرفته بود، افزود: آتش‌نشانان هنگام حضور در محل با زنی مسن رویه‌رو شدند که ادعا می‌کرد جز خودش فرد دیگری در ساختمان نیست. مأموران این زن را به محل امنی انتقال داده و عملیات اطفای حریق را آغاز کردند. ملکی با بیان اینکه پس از اطفای حریق آتش‌نشانان با جسم بی‌جان مردی 45 ساله رویه‌رو شدند، اظهار داشت: پس از تحویل این فرد به عوامل اورژانس مشخص شد که وی به دلیل سوختگی و دود گرفتگی جان خود را از دست داده است. وی درباره اینکه چرا این پیرزن ادعا کرده

بود که کسی در ساختمان نیست، افزود: فرد فوت شده فرزند همین پیرزن بود اما کوهلت سن و اختلال حواس موجب شده بود تا این زن فراموش کند که فرزندش درون ساختمان است. علت این حادثه از سوی کارشناسان سازمان آتش‌نشانی در دست بررسی است.

دادگاه کیفری استان، دادگاه نهایتاً با اعلام ختم رسیدگی با احراز اتهام قتل عمد، ریخته جباری را به قصاص نفس محکوم کرد که رای صادره از سوی شعبه 27 دیوان عالی کشور نیز ابرام شد. نظر بر اینکه طی چند ماه اخیر و پس از قرار گرفتن پرونده در مرحله اجرا، قاتل ادعاهای قبلی خود را که در جهت احراز صحت یا سقم آنها، تحقیقات بسیاری صورت گرفته و برای مدت زمان طولانی نیز پرونده را از مسیر اصلی منحرف نموده بود، بار دیگر مطرح کرده و به این طریق تلاشی وافر در جهت مظلوم‌نمایی و ایجاد شائبه اشتباه در صدور حکم صورت داد، اعلام می‌گردد تمامی ادعاهای فوق در جریان پرونده بررسی شده و کذب بودن آنها در مراحل دادرسی توسط بازپرس، قضات دادگاه کیفری استان (پنج نفر) و قضات دیوان عالی کشور احراز شده است. با وجود موارد فوق این دادستانی در جهت حصول سازش و کسب رضایت اولیای دم تلاش نموده و با وجود برگزاری جلسه‌ی با حضور اولیای دم و قاتل و خانواده وی، اولیای دم در نهایت خواستار اجرای حکم قصاص شدند که حکم صادره سحرگاه روز جاری به موقع اجرا گذارده شد.

دومین اعدامی

دیگر اعدامی روز گذشته محمد 32 ساله بود که متهم است بیستم اسفندماه سال 89 تیمور 41 ساله را به قتل رسانده است. متهم در جلسه دادگاه که در شعبه 71 دادگاه کیفری برگزار شد درباره انگیزه جنایت به قضات گفت: مقداری پول به مقتول بدهکار بودم و قصد داشتم آن را پرداخت کنم اما متوجه شدم مقتول به بهانه بدهی به همسر من نظر دارد. من نیز که نمی‌خواستم زندگی‌ام به هم بریزد با آمیوه مسموم تیمور را پیهوش کرده و پس از بردنش به زیر پل جاده حسن آباد با ریختن بنزین او را به آتش کشیدم. بعد از قتل از محل فرار کردم.

با اعترافات متهم قضات محمد را به اعدام محکوم کردند که حکم از سوی شعبه 15 دیوان عالی کشور تایید شد. حکم این مرد 32 ساله هم صبح دیروز اجرا شد.

21 سارق و کیف قاب پایتخت در دام پلیس



اعتماد| ماموران پلیس آگاهی در چند عملیات جداگانه 21 سارق و کیف‌فاب حرفه‌ی را که از خودروها سرقت می‌کردند شناسایی و دستگیر کردند. همزمان با وقوع چند مورد سرقت‌های مشابه «کیف‌فابی داخل خودرو» که طی آن گروهی از سارقان به شیوه شکستن شیشه یا تخریب در صندوق عقب خودروهای پارک شده اقدام به سرقت می‌کردند، موضوع در دستور کار اداره هجدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. با بررسی پرونده شکایت تعدادی از شکات و مالباختگان مشخص شد که تمامی این افراد پس از مراجعه به مراکز مالی و تجاری به ویژه شعبات بانکی و صرافی‌ها مورد سرقت قرار گرفته و سارقان در فاصله زمانی کوتاهی که مالباختگان کیف حاوی اموال خود را در داخل خودرو گذاشته و برای دقایقی خودروهای خود را ترک کرده‌اند اقدام به سرقت کرده‌اند. با توجه به دلایل به دست آمده کارآگاهان اطمینان پیدا کردند که سارقان در سرقت‌های خود ابتدا به شیوه زاغ‌زنی اقدام به شناسایی مالباختگان در مراکز مالی و اقتصادی کرده و پس از تعقیب آنها و در یک لحظه با سوءاستفاده از ترک خودرو توسط مالکش و اطمینان از وجوه نقد و اموال در داخل خودرو، اقدام به سرقت می‌کردند. بررسی تصاویر به دست آمده از دوربین‌های مداربسته نشان داد که سارقان علاوه بر موتورسیکلت، با استفاده از انواع خودروهای سواری پژو به ویژه پژو 206، پرشیا و پراید اقدام به تعقیب شکات و مالباختگان کرده و پس از انجام سرقت از محل متواری شده‌اند. با بهره‌گیری از تصاویر به دست آمده از دوربین‌های مداربسته، تعدادی از مجرمان سابقه‌دار به نام‌های امید 30ساله، بهزاد 36 ساله، جواد 34 ساله و تعدادی از همدستان‌شان که بارها به اتهام ارتکاب سرقت داخل خودرو و کیف‌فابی دستگیر شده بودند، شناسایی شدند. با به دست آمدن تصاویر تعدادی از اعضای گروه، شناسایی دیگر اعضای گروه و متهمان در دستور کار کارآگاهان اداره هجدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت و با انجام اقدامات پلیسی، تمامی اعضای گروه سارقان و مخفیگاه‌های آنها در کرج، فردیس، ملارد، شهریار و شهر قدس شناسایی شدند. با شناسایی هویت و مخفیگاه تمامی متهمان، هماهنگی‌های لازم قضایی با شعبه سوم بازپرسی دادسرای ناحیه 34 تهران انجام و کارآگاهان اداره هجدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ با اخذ نیابت قضایی به مخفیگاه‌های آنها در شهرهای حاشیه‌ی تهران اعزام و در چند عملیات همزمان تمامی متهمان دستگیر و برای ادامه تحقیقات به اداره هجدهم پلیس آگاهی منتقل شدند. با آغاز تحقیقات متهمان پرونده صراحتاً به ده‌ها فقره کیف‌فابی داخل خودرو در مناطق مختلف شهر تهران و شهرهای حاشیه‌ی آن اعتراف کردند. علاوه بر آن، متهمان در اظهارات خود عنوان کردند که در چند فقره از سرقت‌های‌شان با تعقیب خودروهای ویژه پخش مواد غذایی و پس از پایان کار آنها، با اطمینان از وجود وجه نقد در داخل این خودروها سرقت‌های خود را انجام داده‌اند. علاوه بر آن متهمان اعتراف کردند

که در برخی سرقت‌ها و برای مجبور کردن مالباختگان برای ترك خودرو اقدام به پنچر کردن لاستیک خودروهای آنها کرده و در زمان تعویض لاستیک خودرو از سوی صاحبان خودرو اقدام به سرقت کرده‌اند. سرهنگ کارآگاه محمد اشراقی، معاون مبارزه با سرقت‌های خاص پلیس آگاهی تهران بزرگ با اعلام این خبر گفت: با توجه به اعتراف صریح متهمان به ده‌ها فقره کیف‌فابی به شیوه و شگردهای مختلف، گستردگی مناطق سرقت در مناطق مختلف شهر تهران و دیگر شهرها سوابق متهمان در ارتکاب جرایم مختلف سرقت، کیف‌فابی، استفاده از اسناد مجعول، زورگیری و برای شناسایی دیگر جرایم ارتكابی به ویژه شناسایی شکات و مالباختگان دستور انتشار بدون پوشش تصاویر تمامی اعضای این گروه از سارقان از سوی قاضی هاشمیان، بازپرس شعبه سوم دادسرای ناحیه 34 تهران صادر شده است و از شهروندانی که موفق شدند تصویر متهمان را شناسایی کنند می‌خواهیم برای طرح شکایت به اداره هجدهم پلیس آگاهی مراجعه کنند.

طلبکاران مرد بدهکار را کشتند

اعتماد | چهار مرد که برای گرفتن طلب خود مرد بیمار را از بیمارستان ترخیص کرده و او را به قتل رسانده بودند صبح روز گذشته در دادگاه کیفری استان تهران جنایت را به گردن یکدیگر انداختند و گفتند که قتل را دیگری مرتکب شده است.

اول اردیبهشت سال 89 جنازه مردی 44 ساله در اطراف میدان کاج پیدا شد و پس از آن گروهی از ماموران پلیس به محل وقوع حادثه رفته و تحقیقات خود را آغاز کردند. با شناسایی خانواده مقتول مادر وی به ماموران گفت: پسر من حدود 250 میلیون تومان از مردم کلاهبرداری کرده بود و به خاطر همین کارش از دست او عصبانی بودم و کاری به کاری نداشتم. فقط می‌دانم که مریض بود و در بیمارستان بستری با اظهارات این زن ماموران به بیمارستانی که مقتول در آنجا بستری بود رفتند و به تحقیق پرداختند. اما مشخص شد که دو مرد به بیمارستان آمده و پس از پرداخت 10 میلیون تومان مقتول را از بیمارستان ترخیص کرده و با خود برده‌اند. بنابراین متهمان خیلی زود شناسایی و دستگیر شدند. دو متهم اصلی این پرونده پس از دستگیری با اعتراف به جرم خود به ماموران گفتند: مقتول را از بیمارستان ترخیص کردیم و به ویلای دوست‌مان بردیم.

در آنجا می‌خواستیم طلب‌مان را از مقتول بگیریم اما او گفت من را به تهران ببرید تا در آنجا طلب‌تان را بدهم ولی وقتی به تهران آمدم او گفت که هیچ پولی ندارد. برای همین عصبانی شدیم و او را با استفاده از یک شلنگ خفه کردیم. با اعتراف متهمان پرونده آنها برای رسیدگی به شعبه 71 دادگاه کیفری استان تهران ارجاع و صبح روز گذشته نیز جلسه محاکمه هر چهار متهم برگزار شد. در این جلسه متهمان ردیف اول جنایت را به گردن یکدیگر انداختند. خسرو به هیأت قضایی گفت: من از مقتول طلب داشتم ولی روز حادثه او را نکشتم و این احسان و سجاد بودند که با شلنگ او را خفه کردند. من تنها آنها را همراهی کردم. احسان نیز به قضاوت گفت: آن روز خسرو از من یک شلنگ خواست من هم داخل ماشین به او شلنگ دادم و رفتم. وقتی برگشتم او را کشته بودند. در ادامه جلسه متهم دیگر این پرونده نیز به قضاوت گفت: آن روز این دو نفر یعنی خسرو و سجاد نزد من آمدند و ماشینم را قرض گرفتند و گفتند که برای مهمانی به ویلای دوست‌شان می‌روند. من اشتباه کردم که ماشینم را به آنها قرض دادم. چون زیاد نمی‌شناختم‌شان و در سفره‌خانه با آنها آشنا شده بودم. وقتی دیدم ماشینم را نیاوردند به دنبال‌شان رفتم و مقتول را دیدم. آنها گفتند که دوست‌شان است. برای همین من هم موضوع را پیگیری نکردم. حتی نفهمیدم که چطور او را کشتند. فقط در یک لحظه متوجه شدم که با هم درگیر شده‌اند. متهم ردیف چهارم نیز به قضاوت گفت: بچه‌ها مقتول را به ویلای من آوردند و گفتند که می‌خواهیم به مهمانی بیاییم. من از قتل خبر ندارم و نمی‌دانم چه شد که مقتول را کشتند. در پایان این جلسه نیز هیأت قضایی وارد شور شدند تا حکم نهایی را در این خصوص صادر کنند.

روزنامه اعتماد

طراحی و پیاده سازی نرم افزار : شرکت ارتباطات نوین فرانام